

سال دوم

جلسه ۵

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۰ / ۷ / ۹ شنبه

دلیل پنجم

اکثر الفاظی که «عَلَم» نیستند، برای «مفاهیم کلی» وضع شده اند به حکم الحاق مشکوک به معلوم می گوئیم در ما نحن فیه، موضوع له عام است.

اولا : حمل بر غالب امر مسلمی نیست!

ثانیا : اگر «حمل بر غالب» را بپذیریم، مشروط به «ظن به لحوق» است در ما نحن فیه به جهت عدول متأخرین، چنین ظنی حاصل نمی شود

ثالثا : در الفاظ «غیر عَلَم»، «وضع عام ؛ موضوع له عام ؛ مستعمل فیه عام» است چگونه ما نحن فیه که «مستعمل فیه خاص» است به مواردی که مستعمل فیه عام است، ملحق می شود

مرحوم
قزوینی

حمل بر غالب، در جایی است که مسئله ای «مشکوک» باشد

در حالی که مدعیان خاص بودن در این مسأله، شکی ندارند و دلیل بر آن اقامه می کنند

ما
می گوئیم

دلیل ششم

صغری : این الفاظ در مصادیق «مفهوم کلی» استعمال می شوند
 کبری : هر چه در مصادیق یک مفهوم کلی، حقیقت است در خود آن مفهوم کلی نیز «حقیقت» است

قاعده داریم که :

هر گاه لفظی در دو معنی که دارای «قدر جامعی» هستند، استعمال شود :
 اصل آن است که برای آن «قدر جامع» وضع شده است

اشکال اول : این قاعده اصل و اساسی ندارد

اشکال دوم : این قاعده در جایی است که لفظ در قدر جامع، «کثیراً» استعمال شود
 در حالی که این لفظ در قدر جامع استعمال نمی شود

این قاعده به این صورت غلط است
 صورت صحیح قاعده :

«اگر لفظی در همه مصادیق قدر جامع استعمال شد، در آن قدر جامع حقیقت است»

مرحوم
 قزوینی

ما
 می گوئیم

دلیل اول

لازمه «موضوع له عام + مستعمل فیه خاص» :

۱. مجاز بودن استعمال این الفاظ در معنای خاص
۲. غلط بودن استعمال در معنای حقیقی

ان قلت : مجاز بلا حقیقت چه اشکالی دارد؟

قلنا : گروهی «محال» و گروهی «نادر» می دانند = نمی توان مشکوک را بر نادر حمل کرد

این اشکال به مرحوم آخوند وارد نیست

علت : چراکه ایشان مستعمل فیه را نیز «عام» می داند

«شکی نیست تا حمل مشکوک بر نادر، لازم آید»

علت : مدعین «موضوع له عام ؛ مستعمل فیه خاص» شک ندارند و بر مدعای خود دلیل اقامه می کنند

به لزوم «استعمال مجازی» در جایی که استعمال در معنای حقیقی ممکن نباشد، ملتزم می شویم

علت : استحاله آن امر مسلمی نیست

نکته مهم : صحت استعمال مجازی متوقف بر وجود «موضوع له» است نه استعمال در موضوع له

تمام این امور زمانی است که معانی حرفی از نوع «استعمال لفظ در معنی» باشند نه صرف علائم ..

ان قلت
+
قلت

ما
می گوئیم

دلیل دوم

صغری : استعمال الفاظ مذکور در «مصادیق» شایع است
کبری : استعمال شایع نیز باید از نوع «استعمال حقیقی» باشد
نتیجه : این استعمالات باید «حقیقی» باشد

استعمال در مصادیق را نباید به معنای «استعمال در یک شیء» دانست

اینکه «اطراد» از علائم حقیقت باشد، محل بحث است

دلیل سوم

اگر موضوع له در این الفاظ «کلی» بود .. باید همان معنای بدون قرینه «متبادر» می شد
در حالی که چنین نیست

این دلیل را نمی پذیرد

مرحوم
مجاهد

این استدلال از قوت برخوردار است

ما
می گوئیم

دلیل چهارم

مفاهیم کلی «نکره» هستند

در حالی که «ضمائر؛ موصولات و اسماء اشاره» معرفه هستند.

این دلیل را نمی پذیرد

مرحوم
مجاهد

نکره و معرفه در اینجا، «لفظی» است

توضیح : هو و الذی معرفه معنوی نیستند و معرفه بودن اینها از «قرائن کلامی» فهمیده می شود

ما
می گوئیم

دلیل پنجم

حروف و ضمائر دارای «معنای مجازی و معنای حقیقی» است

اگر «موضوع له عام + مستعمل فیه خاص» باشد = همه استعمالات مجازی می شود

این دلیل را نمی پذیرد

مرحوم
مجاهد

نکره و معرفه در اینجا، «لفظی» است

توضیح : هو و الذی معرفه معنوی نیستند و معرفه بودن اینها از «قرائن کلامی» فهمیده می شود

ما
می گوئیم